

معیارهای عدالت در فرایندهای مالی بر اساس آموزه‌های

قرآن کریم

سید مهدی معلمی*

استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴)

چکیده

عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و ارزش‌های حاکم در اقتصاد اسلامی، در اسلامی بودن نظام مالی نقش بسزایی دارد. نظام مالی هنگامی عادلانه است که در سه سطح مبدأ (امکانات و فرصت‌های اولیه مالی)، فرایند (رابطه‌ها و فرایندهای مالی) و نتیجه (وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام مالی) منطبق بر عدالت باشد. در این میان، تحقق عدالت در رابطه‌ها و فرایندهای مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله تلاش شده است بر اساس آموزه‌های اسلامی با محوریت رهیافت قرآنی، معیارهای تحقق عدالت در قراردادهای مالی کشف شود. از این رو، به روش تحلیل مضامین قرآنی با روش تفسیری اجتهادی (جامع) به ابعاد مختلف موضوع پرداخته می‌شود. این پژوهش پس از بررسی آیات قرآن کریم، روایات، قواعد فقهی و تفاسیر، به این نتیجه می‌رسد که معیارهای تحقق عدالت در فرایندهای مالی در قرآن کریم عبارتند از: غیرربوبی بودن قراردادها، عدم زیان‌رسانی، عدم انحراف از مفاد قرارداد، توزیع ریسک بین طرفین قرارداد و عدم سفته‌بازی اخلاص‌گر و قمارگونه.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، عدالت فرایندی، نظام مالی، معیار عدالت.

* E-mail: mahdimoalemi@gmail.com

مقدمه

امروزه نظام مالی به عنوان نظامی که وظیفه تأمین مالی و تجهیز سرمایه‌های مورد نیاز بخش واقعی اقتصاد را بر عهده دارد، از ضروریات هر اقتصادی است. نظام‌های مختلف مالی در جوامع غربی، بر اساس الگوهای حاکم بر اندیشه و فرهنگ مدرنیته طراحی شده‌اند. در اقتصاد اسلامی نیز نظام مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش ارکان باید بر مبنای فکری، ارزشی و فرهنگی اسلام ناب شکل گیرد؛ زیرا الگوهای اسلامی، مبنایی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری نگاه مطلوب است. در این میان، عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و ارزش‌های حاکم در اقتصاد اسلامی، در اسلامی بودن نظام مالی نقش بسزایی دارد. از این رو، در ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار برای سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور» به عنوان اولین هدف نظام بانکی معرفی شده است (ر.ک؛ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲، فصل اول: ماده ۱).

بخش مهمی از تعالیم دین مبین اسلام به بازتعریف قواعد و مقررات حاکم بر قراردادها و فرایندهای مالی اختصاص دارد. با توجه به جهت‌گیری کلی احکام اسلامی در راستای تحقق قسط و عدل، پرسش اصلی این پژوهش آن است که معیارهای^۱ تحقق عدالت در قراردادها و فرایندهای مالی، در آموزه‌های اسلامی با محوریت رهیافت قرآنی چیست؟ به عبارت دیگر، چه اصول و قواعدی می‌تواند مبنای قضاوت، نقد و تصمیم‌گیری برای تحقق و سنجش عدالت در نظام مالی قرار گیرد؟

به نظر می‌رسد که تحقق عدالت اقتصادی در فرایندهای مالی، بستگی به خالی بودن قراردادها و مالی از عنصر ربا، زیان، سفته‌بازی اخلاقی و قمارگونه و انحراف از مفاد قرارداد است. همچنین، توزیع ریسک نیز در تحقق عدالت فرایندی سهیم است.

از این رو، در این پژوهش برای کشف معیارهای نامبرده، به تحلیل مضامین قرآنی با روش تفسیری جامع پرداخته می‌شود. برای این منظور، ابتدا مفهوم عدالت اقتصادی در فرایندهای مالی تبیین شده است و پس از بررسی مفاهیم قرآنی مرتبط با فرایندهای مالی، معیارهای عدالت در فرایندهای مالی از دیدگاه قرآن باز کاوی می‌گردد.

۱- مفهوم عدالت اقتصادی در فرایندهای مالی

لغت‌شناسان واژه عدل را مقابل جور و ظلم و به «راستی، درستی، دادگری، نظیر، شاهد، لنگه، کیل، پیمان، پاداش، میانه‌روی، مساوات، برابری» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق. ج ۱۱: ۸۳)، «انصاف، قول یا حکمی که مورد رضایت و خشنودی مردم واقع شود» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق. ج ۲: ۳۸) معنا کرده‌اند. می‌توان گفت اصل در معنای عدل، «حد وسط و دوری از افراط و تفریط» است، به گونه‌ای که زیاده و نقیصه‌ای در کار نباشد است.^۲

در اصطلاح نیز واژه عدالت در متون دینی اسلام، در حوزه‌های هستی‌شناسی، عرفانی و اخلاقی به معانی متعددی به کار رفته است (ر.ک؛ رجایی و معلمی، ۱۳۹۰: ۹-۱۲). عدالت در علوم اجتماعی، به‌ویژه در موضوعات اقتصادی به معنای کلی «اعطاء کل ذی حقّ حقّه» به کار رفته است. عدالت در حوزه رفتارها و کنش‌های اجتماعی، رعایت استحقاق‌ها و دادن حق به صاحب حق است؛ چنان‌که بسیاری از اندیشمندان مسلمان بدان تصریح کرده‌اند (برای نمونه ر.ک؛ مطهری، نرم‌افزار مجموعه آثار، ج ۱: ۷۸-۸۱ و مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۳۶) اگر رفتار افراد و کارکرد نظام اقتصادی بر محور حق باشد، عدالت اقتصادی تحقق یافته است. نظام مالی نیز هنگامی عادلانه است که در سه سطح مبدأ (امکانات و فرصت‌های اولیه مالی)، فرایند (رابطه‌ها و فرایندهای مالی) و نتیجه (وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام مالی) منطبق بر عدالت باشد.

یکی از مهم‌ترین سطوح اجرای عدالت اقتصادی در نظام مالی، رابطه‌ها و فرایندهای مالی است. فرایند مالی، روشی است که افراد برای سلطه بر اموال در نظام مالی به کار گرفته‌اند (ر.ک؛ عیوضلو، ۱۳۸۴: ۸۶). بر این اساس، فرایند مالی عادلانه، انتقال اموال و

دارایی‌ها با مراعات استحقاق‌ها در کلیه مراحل تعیین تعهدات، مناسبات، پیمان‌ها و قراردادهای، رویه‌ها و قواعد مبادله در یک نظام مالی است. یادآوری می‌شود که آثار فراوانی درباره نظام مالی عادلانه تدوین شده‌است، ولی درباره عنوان این مقاله، یعنی معیارهای عدالت در فرایندهای مالی بر اساس آموزه‌های قرآنی نمونه مشابهی یافت نشد.

۲- مفاهیم قرآنی مرتبط با فرایند مالی عادلانه

برای استخراج معیارهای فرایند مالی عادلانه از قرآن کریم، می‌توان از مفاهیمی که همسو و یا در تقابل با آن به کار رفته است، استفاده نمود (برای آشنایی بیشتر با این روش، ر.ک؛ معلمی، ۱۳۹۴).

در میان ۳۴ آیه‌ای که در باب فرایندهای مالی در قرآن کریم وجود دارد (ر.ک؛ النساء/ ۲۹، ۱۶۰، ۵۸، ۱۶۱ و التوبة/ ۳۴ و البقرة/ ۱۸۸، ۲۷۵-۲۸۳ و المائدة/ ۱، ۱۳ و الرحمن/ ۷-۹ و المطففين/ ۱-۶، الأنعام/ ۱۵۲، هود/ ۸۴-۸۵، آل عمران/ ۱۳۰، ۷۵، القصص/ ۲۶-۲۷، التغابن/ ۱۷، المزمل: ۲۰، الحديد/ ۱۱ و الحج/ ۲۹). در این میان، یازده آیه پیرامون تحقق عدالت در فرایند مالی است (ر.ک؛ النساء/ ۲۹، ۱۶۱؛ التوبة/ ۳۴؛ البقرة/ ۸۸، ۲۸۲، ۲۷۹؛ الرحمن/ ۷-۹؛ المطففين/ ۱؛ الأنعام/ ۱۵۲ و هود/ ۸۵).

آیه ۲۷۹ سوره بقره به صراحت، فرایند مالی ربوی را ظالمانه معرفی می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و اگر مؤمن [واقعی] هستید، آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید]، به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسول او [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت، نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید ﴿(البقره/ ۲۷۸ و ۲۷۹).

آیه ۲۸۲ سوره بقره نیز ضرورت نگارش قرارداد مالی به عدالت تأکید می‌ورزد:
 ﴿وَيُكْتَبُ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ﴾ (البقرة / ۲۸۲).

آیات ابتدایی سوره مطفین، آیات ۸ و ۹ سوره الرحمن، آیه ۱۵۲ سوره انعام و آیه ۸۵ سوره هود، ضرورت اجتناب از کم‌فروشی و تناسب عوض و معوض در فرایند مالی را یادآور می‌شود که معیار مهمی برای سنجش عدالت در فرایند مالی است. در این میان، مفهوم «تراضی» و مفهوم «اکل مال به باطل» از مهم‌ترین مفاهیم قرآنی هستند که تحلیل و بررسی مؤلفه‌های معنایی آنها، در یافتن معیارهای فرایند مالی عادلانه راهگشاست. مفهوم «اکل مال به باطل» در چهار آیه قرآن کریم به کار رفته است (ر.ک؛ البقره / ۱۸۸؛ النساء / ۲۹؛ النساء / ۱۶۱ و التوبه / ۳۴) که آنچه در سوره نساء مطرح شده است، با موضوع این پژوهش بیشتر در ارتباط است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموالتان را در میان خودتان به ناحق مَخورید. مگر اینکه داد و ستدی با رضایت [طرفین] شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را نکشید؛ [چرا] که خدا نسبت به شما مهرورز است ﴿(النساء / ۲۹).

روایات متعددی در ذیل آیات چهارگانه، به‌ویژه آیه ۲۹ سوره نساء وارد شده است که اکثر این روایات در مقام بیان مصادیق اکل مال به باطل بوده است و آن را به ربا، قمار، بازی شطرنج برای برد و باخت و سوگند دروغ تطبیق کرده‌اند (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷: ۱۶۷ و ۳۱۸ و همان، ج ۱۸: ۱۲۱).

شناخت مفهوم «اکل مال به باطل» منوط به شناخت سه رکن معنایی در این ترکیب است: ۱- مفهوم «اکل». ۲- مفهوم «باطل». ۳- معنای «باء» در ترکیب «بالباطل».

تردیدی نیست که واژه «اکل» در این آیه صرفاً به معنای خوردن نیست، بلکه کنایه از هر نوع تصرفی است و به کارگیری واژه خوردن در مطلق تصرف اختصاص به زبان عربی ندارد، در زبان‌های دیگر نیز رایج است. درباره معنای «باء» در «بالباطل» نیز دو احتمال مطرح است. احتمال اول اینکه باء سببیت باشد. در این صورت، معنای آیه این می‌شود که

اموال یکدیگر را به اسباب باطل تصرف و تملک نکنید. احتمال دوم اینکه بقاء مقابله باشد، به این معنا که اموال هم را در مقابل عوض باطل (بلاعوض) نخورید. این نکته که در آیه شریفه، ترکیب معنایی «أکل مال بالباطل» در مقابل «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» مطرح شده است، قرینه لفظی مناسبی برای ترجیح احتمال اول است؛ یعنی از تصرف در اموال به وسیله اسباب باطل اجتناب نمایید (ر.ک؛ خویی، بی تا، ج ۱: ۳۵). آنچه حائز اهمیت است، معنای «باطل» است. از دیدگاه لغویون، «باطل» در مقابل «حق» است. ایشان برای باطل معانی مختلفی همچون تلف شدن، نابودی، از میان رفتن، هلاکت، غیرواقعی بودن، ناپایایی، ناماندگاری، بی ارزش بودن، بی ثمر بودن، بی خاصیت بودن، بی ثباتی، ناستواری و تزلزل را مطرح کرده اند (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۷: ۳۴).

مفسران با توجه به معانی لغوی و کاربردهای قرآنی و ادبی، معانی زیر را برای ترکیب «أکل مال بالباطل» ذکر کرده اند:

- «تملک بدون استحقاق و بدون پرداخت عوض» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۷۲).

- «تصرف در اموال به روش خیانت» (طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۷۸).

- «اخذ اموال یکدیگر بدون وجه و صرف آن در طریق حرام» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۵۰).

معاملاتی که جامعه را از سعادت و رستگاری بازمی دارد و به ضرر اجتماع بوده، آن را به سمت فساد و نابودی سوق می دهد و نیز معاملاتی که از نظر دین، باطل به حساب می آیند؛ مانند ربا، قمار، خرید و فروش به روش پرتاب سنگریزه و هسته و نظایر آن (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۳۲۴).

در ادامه با توجه به مفاهیم پیشین و نیز تقابل مفاهیم «عدل و ظلم» و «حق و باطل»، معیارهای فرایند مالی عادلانه ارائه می گردد.

۳- معیارهای فرایند مالی عادلانه

معیار ۱: غیرربوبی بودن قراردادها

بی‌تردید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت نظام مالی عادلانه اسلامی با سایر نظام‌های مالی، ممنوعیت رباست. از دیدگاه قرآن کریم، یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده عدالت در فرایندهای مالی، رباست. قرآن کریم به صورت قاطع و روشن، هر ربایی را، چه فاحش و چه غیرفاحش، تحریم کرده است و رباخواران را به انواع عقوبت‌های دنیوی و اخروی تهدید نموده است. خدای متعال، به ظالمانه بودن رباخواری تصریح می‌نماید: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (البقره / ۲۷۵-۲۷۹).

بزرگی گناه ربا و آثار آن بر فرد و جامعه، در روایات زیادی از رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع) تبیین شده است. امام رضا^(ع) به گناه کبیره بودن رباخواری و حرمت آن در تمام ادیان الهی اشاره می‌نماید (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۱۲۱). امام صادق^(ع) نیز رباخواری را سبب هلاک جوامع می‌دانند (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸: ۱۲۳).

در این میان، آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است. مسئله حیل ربا و نحوه مواجهه با آنهاست. توضیح اینکه انسان‌ها در مواجهه با احکام و مقررات به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی به سبب ایمان به قوانین و التزام درونی یا رعایت مصالح فردی و اجتماعی سعی می‌کنند مطابق قانون رفتار کنند. گروه دوم به دلیل ناآشنایی یا ضعف ایمان و اعتقاد و کسب منافع فردی، سرپیچی می‌کنند. گروه سوم، رفتاری دوگانه دارند و در ظاهر تلاش می‌کنند خود را ملتزم به قوانین و مقررات نشان دهند، اما در واقع، در صدد نقض مفاد و محتوای قوانین هستند.

در فرایندهای مالی نیز گروهی با تدابیر عملی و اعتباری، خود را به‌ظاهر عامل به احکام شریعت نشان می‌دهند و در پنهان ناقض مفاد آنها هستند. امروزه در اکثر جوامع اسلامی، بسیاری از فعالیت‌های مالی از مسیر به‌کارگیری حیل ربا محقق می‌شود. حیل ربا، عملی است که به منظور تغییر حکم ربا، با حفظ غرض از آن، از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام می‌شود.

قرآن کریم رفتار چنین انسان‌هایی را باطل دانسته است و آن را نکوهش می‌کند، آنجا که داستان یهودیانی را مطرح می‌کند که از صید در روز شنبه نهی شده بودند، اما از باب حيله وارد شده، در روز شنبه تورهای ماهیگیری را می‌انداختند و روز یکشنبه از آب بیرون می‌کشیدند و می‌گفتند ما روز یکشنبه صیادی کردیم (ر.ک؛ الأعراف / ۱۶۶-۱۶۳).

در طراحی فرایندهای مالی در نظام مالی عادلانه نیز باید دانست که مقصود خداوند متعال از تحریم ربا این نبود که افراد با انجام تغییرات ظاهری، مفاد و محتوای آن ضوابط را زیر پا گذارند، بلکه مقصود، سامان دادن نظام اجتماعی انسان‌ها بود و این در گرو عمل واقعی به احکام اسلام و پایبندی واقعی به آنهاست (ر.ک؛ موسویان، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۸۷). بنابراین، یکی از مهم‌ترین معیارهای فرایند مالی عادلانه، خالی از هر گونه قرارداد ربوی، اعم از ربای صریح و ربای مخفی در پوشش حيله است.

معیار ۲: زیان نرساندن

در فرایند مالی عادلانه، نباید یکی از طرفین به دیگری ضرر و زیان برساند. خدای متعال در قرآن کریم نسبت به زیان‌رسانی، دست اندر کاران امور مالی، به یکدیگر، هشدار می‌دهد: ﴿...وَلَا يَضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ﴾: نباید به نویسنده و شاهد (قرارداد، به سبب حق‌گویی) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند) و اگر چنین کنید از فرمان پروردگار خارج شده‌اید ﴿البقره / ۲۸۲﴾.

این اصل در اصطلاح فقیهان به قاعده «لاضرر» مشهور است و در اکثر ابواب فقه، به‌ویژه باب معاملات جاری است. قاعده لاضرر بر احکام معاملات و مبادلات عقلایی حاکم است و شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات و مبادلات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله و یا شرایط معامله، باعث ضرر و ضرار نشود. در غیر این صورت، به وسیله ضابطه نفی ضرر یا حکم به بطلان معامله می‌کند و یا با آوردن قیودی معامله را مقید به رعایت شرایطی می‌کند. همچنین، در جایی که ضرر از وجود شرایط ناشی شده باشد، آن شرایط را الغا می‌کند.

سند قاعده لاضرر آن چنان معتبر و مشهور است که برخی ادعای تواتر احادیث نفی ضرر می‌کند (ر.ک؛ حلی، ۱۳۸۷ق.، ج ۲: ۴۸) و برخی دیگر روایات وارده در نفی ضرر را در حد تواتر اجمالی می‌دانند (ر.ک؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۷ق.:: ۳۸۱). برخی نیز قاعده نفی ضرر را در کُل، از امور مستقلة عقلیه می‌شمارند که عقل به صورت مستقل حکم به نفی آن می‌کند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸). در مجموع، قاعده لاضرر از مسلمات فقه شیعه است (ر.ک؛ موسوی، ۱۳۷۶: ۲۴).

آنچه مهم است، بحث دلالتی و قلمرو قاعده لاضرر است. در تفاوت بین ضرر و ضرار گفته شده است که ضرر عمل یک نفر و ضرار عمل دو نفر در مقابل هم است، ضرر شروع به کاری است و ضرار پاسخ به آن است، ضرر جایی است که با ضرر زدن به دیگری نفی ببرد و ضرار جایی است که نفعی برای فرد نداشته باشد، ضرر اسم مصدر و ضرار مصدر است، ضرر جایی است که فعل از روی عمد و غیر عمد صادر شود، اما ضرار جایی است که فعل عمدی باشد، ضرر عدم نفع و ضرار سختی و مشقت است و برخی نیز آن دو را به یک معنا دانسته‌اند که در حدیث مشهور از باب تأکید تکرار شده است (ر.ک؛ همان: ۱۳۱). با این همه، اختلاف در معنای ضرر و در تفاوت آن با ضرار، چندان تأثیر عملی نخواهد داشت؛ چرا که نتیجه «نفی ضرر و ضرار» طبق همه دیدگاه‌های فقهی، نفی هر نوع عملی که اضرار به جان، مال، آبرو و حیثیت افراد است (ر.ک؛ موسویان، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

قاعده لاضرر بر کلیه ادله احکام اولیه حکومت دارد و همه موارد ضرری را از دایره احکام اولیه خارج می‌کند. در نتیجه، فرایندهای مالی که متضمن ضرر و زیان به فرد یا جامعه باشد، و خوب وفا و لزوم نخواهد داشت. به مقتضای قاعده «لاضرر و لاضرار»، آن گروه از معاملات عقلایی که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا نبود شرطی در معامله منتهی به ضرر دیگری شود، از نظر شرع حرام و ضمان آور است. به این سبب، اسلام به تناسب مورد به وجود حق شفعه، عدم لزوم بیع غبنی و حق خیار مغبون و ایجاد محدودیت‌هایی برای استفاده از مالکیت خصوصی حکم می‌کند.

معیار ۳: انحراف نکردن از مفاد قرارداد

یکی از معیارهای عدالت در فرایندهای مالی، پایبندی به مفاد قرارداد و التزام به «مسئولیت قراردادی» است. «مسئولیت قراردادی» به معنای تعهد به پرداخت مالی در اثر یکی از انواع قراردادهاست. در عقود معوض تملیکی، انتقال مالکیت، اثر مستقیم عقد است که با وقوع عقد و بدون واسطه تحقق می‌یابد، اما تسلیم تعهدی است که باید ایفا شود. قرآن کریم بر این مسئولیت تأکید دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قرارها وفا کنید﴾ (المائده / ۱).

واژه «أوفوا» در قرآن گاهی بدون حرف جرّ باء به کار می‌رود؛ مانند: ﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ (الأعراف / ۸۵). در این موارد، مقصود از آن، اتمام در مقابل نقصان است (برای موارد مشابه، ر.ک؛ الشعراء / ۱۸۱). گاهی نیز همراه با حرف جرّ باء به کار می‌رود؛ مانند: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء / ۳۴). در این موارد که بیشتر متعلق «اوفوا»، عقد، عهد، وعده و نذر است، مقصود از آن، عمل به مقتضای عقد، عهد و امثال آن‌ها و قیام به جمیع مقتضیات آن‌ها و نیز محافظت بر آن‌هاست. البته این دو معنا از هم بیگانه نیست و قابل ارجاع به یکدیگر است (ر.ک؛ موسوی خمینی^(د)، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۱۰).

در این آیه، خدای متعال به دلالت مطابقی از مؤمنان می‌خواهد که به مقتضای هر آنچه که عرفاً عقد نامیده می‌شود، وفا کنند و به آن ترتیب اثر دهند و به دلالت التزامی، دلالت بر صحت هر عقد عرفی می‌کند؛ چرا که امر به ترتیب اثر، مستلزم صحت معامله است و خداوند هیچ وقت به معامله‌ای که فاسد است، امر به وفا و ترتیب اثر نمی‌کند (ر.ک؛ خوبی، بی تا، ج ۲: ۱۱۸).

خدای متعال بر پایبندی با قراردادها و پیمان‌هایی که با مشرکان نیز منعقد شده است، تأکید می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُواكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ مگر کسانی از

مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن را در حقّ شما فروگذار نکردند و احدی را بر ضدّ شما تقویت ننمودند، پیمان آنها را تا پایان مدّت محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد ﴿التوبة/ ۴﴾.

این آیه اشاره به پیمانی دارد که میان پیامبر اکرم (ص) و گروهی از طایفه «بنی کنانه» و «بنی ضمیره» منعقد شده بود. چون آنها به مفاد عهدنامه وفادار ماندند و با دشمنان اسلام همکاری نکردند. پیامبر اکرم (ص) نیز به توصیه قرآن تا پایان مدت به قرارداد خود وفادار ماند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵-۶: ۹) بر این اساس، هنگامی که خدای متعال به وفای به پیمان با مشرکان امر کرده است، به طریق اولی، نسبت به پایبندی به قراردادها و پیمان‌های میان مسلمین در جامعه اسلامی، به ویژه در نظام مالی تأکید بیشتری دارد.

پایبندی به قراردادها و پیمان‌ها در شریعت اسلامی تا آنجا مورد تأکید و اهتمام است که حتی در مواردی که هم‌کیشان مسلمان نیاز به یاری دارند و کمک به آنان وظیفه هر مسلمانی است، چنان‌چه این کار (یاری رساندن به آنها) اقدامی علیه هم‌پیمانان و محلّ به مفاد عهدنامه به شمار آید، این وظیفه از گردن مسلمانان ساقط می‌گردد. این امر بیانگر اوج ارزشگذاری اسلام به قراردادهاست: ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ اگر (مسلمانان) در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترکِ مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست ﴿الأنفال/ ۷۲﴾.

در این آیه شریفه، خدای متعال به صراحت اعتبار قرارداد را برتر از حق اخوت اسلامی قرار داده است. البته اعتبار قراردادها تا زمانی است که نقضی از جانب مقابل صورت نگیرد. در غیر این صورت، عقدی نیست تا الزامی در کار باشد: ﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمان‌شان هستند)؟! مگر کسانی که

نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند)، تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد ﴿التوبة / ۷﴾.

در روایات فراوانی نیز امامان معصوم^(ع) بر وجوب پایبندی به قراردادهای تأکید کرده‌اند. رسول گرامی اسلام^(ص) می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ: کسی که به عهد خود وفا نکند، دین ندارد» (راوندی کاشانی، بی‌تا: ۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ فِيمَا وَاَفَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مسلمانان در گرو قرارها و پیمان‌های خود هستند، جز مواردی که مخالف کتاب خدا باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۶۹).

نتیجه اینکه اصل عدم انحراف از قراردادهای به معنای آگاهی و عمل به مفاد آنها از مهم‌ترین قواعد حاکم بر فرایندهای مالی عادلانه است.

گفتنی است یکی از علل انحراف از قراردادهای در نظام مالی این است که برخی فعالان نظام مالی، بدون اطلاع درست از ماهیت قرارداد و آنچه باید مورد اعتبار قرار گیرد، آن را امضاء می‌کنند و با انعقاد یک قرارداد صوری، به عمل به مفاد آن توجهی ندارند. در نتیجه، موجب تضییع حقوق طرف دیگر قرارداد می‌شوند و زمینه بسیاری از مفاسد مالی را فراهم می‌سازند. از این رو، در فقه اسلامی، شرط تبعیت تحقق قرارداد از قصد طرفین (العقود تابعة للقصد) و نیز مسئله ضمان معاوضی، برای جلوگیری از انحراف در اجرای مفاد قراردادهای مالی مطرح شده است.

برخی از آثار صوری‌سازی قراردادهای در بانک‌ها که به عادلانه بودن فرایند مالی خدشه وارد می‌سازد، عبارت است از:

- به کارگیری تسهیلات اعطایی در غیر محل مشخص شده در قرارداد (مانند استفاده از تسهیلات مبتنی بر عقد جعاله تعمیر مسکن برای خرید مسکن).

- قیمت‌گذاری تسهیلات بر اساس سود مدّ نظر و نه بر اساس قیمت واقعی (مانند تعیین قیمت مسکن در عقد فروش اقساطی مسکن بر اساس سود محاسبه‌شده بانک و نه قیمت واقعی مسکن).

- ارائه فاکتور فروش ساختگی برای دریافت تسهیلات فروش اقساطی.
- تعیین مدت بازپرداخت تسهیلات بدون در نظر گرفتن سررسید واقعی عقد مربوطه.
- یکسان در نظر گرفتن نسبت سود بانک و عامل در قرارداد مضاربه برای تمام پرونده‌ها.
در تمام این موارد، به گونه‌ای به حقوق سهامداران، مشتریان و سپرده‌گذاران تعدی می‌شود.

معیار ۸: توزیع ریسک

یکی از مهم‌ترین مباحث نظام مالی عادلانه، چگونگی توزیع ریسک در فرایندهای مالی است. منظور از ریسک، احتمال کاهش درآمد، از دست دادن سرمایه، وقوع ضرر و یا دیگر نتایج زیانبار در فعالیت مالی است (ر.ک؛ ورنون، ۱۳۸۸: ۲۸۲). به طور طبیعی، در فرایندهای مالی، انواع مختلفی از ریسک مانند ریسک اصل سرمایه، ریسک بازده و ریسک ناشی از تغییر در قیمت‌ها و یا نرخ بهره بازاری (در سیستم مالی ربوی) وجود دارد. همچنین، به طور طبیعی فعالان اقتصادی، به‌ویژه صاحبان وجوه، دارای سلاقی متفاوتی هستند. برخی ریسک‌پذیر و برخی دیگر ریسک‌گریز هستند که البته در هر دو گروه، درجات مختلفی نسبت به پذیرفتن یا نپذیرفتن ریسک وجود دارد.

افراد ریسک‌گریز تلاش می‌کنند. در فرایندهای مالی، ریسک را به طرف مقابل منتقل کنند و درآمدی با حداقل مخاطره به دست آورند. امروزه بسیاری از نهادهای مالی از قراردادهایی استفاده می‌کنند که ریسک ناشی از فعالیت‌های اقتصادی به مشتری منتقل شود. بدین ترتیب، یک طرف قرارداد در سود فعالیت اقتصادی، سهیم می‌شود، اما در ضرر و زیان شریک نیست و این امر با توازن عادلانه مسئولیت طرفین در فرایند مالی منافات دارد.

نپذیرفتن مسئولیت در قراردادهای مالی می‌تواند مصداقی از «اکل مال بالباطل» باشد، به‌ویژه اگر «باء» در آیه شریفه به معنای «مقابله» باشد که در این صورت، آیه شریفه در صدد نهی از تصرف در اموال دیگران در مقابل امری «پوچ» است. در نتیجه، منافع به دست آمده از مبادلاتی که یک طرف هیچ مسئولیت و ریسکی را نپذیرد و همه مسئولیت را به دوش طرف دیگر مبادله بیندازد، مصداقی از مفهوم «تصرف در اموال مردم بدون عوض» است که برخی از مفسران در تفسیر ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ بر آن تأکید ورزیده‌اند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ۵۶). حتی در صورت نپذیرفتن این تفسیر در آموزه‌های اسلامی، ضوابط و قوانینی مانند «الْخِرَاجُ بِالضَّمَانِ»، «مَنْ عَلَيْهِ الْغُرْمُ فَلَهُ الْغَنَمُ»، «منع ربح ما لا یضمن»، «تلازم بین نماء و دَرَک» و «إِنْ ضَمَانَ الشَّيْءِ وَ دَرَكَهٖ بِإِزَاءِ مَنْفَعَةٍ» وجود دارد که نشانگر مشروعیت نداشتن انتقال ریسک ضرر و زیان به یک طرف در فرایندهای مالی است.

بر این اساس، در هر فرایند مالی، هر کسی مالک منافع باشد، ضامن خسارت (پذیرنده ریسک و مخاطره) است و هر کس ضامن خسارت (پذیرنده ریسک و مخاطره) باشد، مالک منافع است؛ به تعبیری دیگر، بین منافع و ریسک تحمل خسارت، تلازم است به گونه‌ای که هر گونه سود، منفعت و بازده سرمایه در فرایندهای مالی، مشروط به پذیرش مسئولیت و تحمل بخشی از ریسک ضرر و زیان آن است.

معیار ۵: سفته‌بازی نکردن اخلاص‌گر و قمارگونه

یکی از مباحث پرچالش در نظام مالی عادلانه، مسئله سفته‌بازی یا بورس‌بازی است. سفته‌بازی (Speculation) نوعی فرایند مالی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت کالا، سهام، ارز، اوراق بهادار و اسناد خزانه انجام می‌شود. سود بورس‌بازان از تفاوت قیمت در زمان‌های خرید و فروش به دست می‌آید؛ به تعبیر دیگر، بورس‌بازی فرایند انتخاب سرمایه‌گذاری‌های ریسکی است که به منظور کسب سود از پیش‌بینی حرکت قیمت‌ها انجام می‌پذیرد.

امروزه با گسترش بازارهای مالی، رفتارهای سفته‌بازی در آن شیوع چشمگیری پیدا نموده است. عمق و گستره سفته‌بازی در فرایندهای مالی به اندازه‌ای است که بخش زیادی از پژوهش‌های مالی را به خود اختصاص داده است. البته در این میان دیدگاه‌های کاملاً متضاد نیز وجود دارد، به گونه‌ای که برخی از ایشان سفته‌بازی را عامل رونق بازارهای مالی و اقتصادی و برخی دیگر آن را عامل سقوط بازارها و وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی می‌دانند.

فعالیت‌های سفته‌بازی در بازارهای مالی بر اساس نوع ورود سفته‌بازان به سه گروه سفته‌بازی قمارگونه (کورکورانه)، سفته‌بازی تحلیلی و سفته‌بازی اخلاص‌گر تقسیم می‌شود. گروهی از سفته‌بازان درصدد کسب سود سریع و آسان و بدون زحمت هستند، اما صرفاً بر اساس شانس عمل می‌نمایند. به واسطه این شیوه رفتار، بعضی مواقع سود می‌برند و بعضی وقت‌ها نیز متحمل زیان می‌شوند؛ زیرا این گونه سفته‌بازی در بازارهای مالی تا حدود زیادی به شانس و تصادف وابسته است. اگرچه به دلیل ماهیت رفتار سفته‌بازانی که بر اساس شانس و اقبال وارد معاملات بازار مالی می‌شوند، عنوان سفته‌بازی قمارگونه برای رفتار ایشان انتخاب شده است، اما به لحاظ فقهی، نمی‌توان این عمل را قمار دانست (ر.ک؛ صالح آبادی، ۱۳۸۲: ۶۸-۶۹).

اما به نظر می‌رسد که سفته‌بازی قمارگونه از نظر، غرری بودن دارای اشکال شرعی باشد. توضیح اینکه یکی از قوانین عام فقه اسلام در بخش معاملات، ممنوعیت معاملات غرری است. پیامبر اکرم (ص) با نهی از چنین معاملاتی درصدد تنظیم روابط معاملی بین انسان‌هاست، می‌خواهد آن گروه از بیع‌ها را که در اثر خدعه، غفلت، جهالت یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کند و مال یکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهند، از دایره بیع‌های مجاز خارج می‌کند و حکم به فساد آن‌ها کند (ر.ک؛ موسویان، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۲۷). فقهای شیعی و سنی برخی از معاملات را به سبب غرری بودنشان باطل می‌دانند. البته مخاطره‌ای که منتهی به نزاع و اختلاف در باب معاملات می‌شود (ر.ک؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۸۶).

در سفته‌بازی قمارگونه، سفته‌باز به دلیل حرص و طمع شدید، سرمایه خود در معرض ریسک زیادی قرار می‌دهد. باور این نوع از سفته‌بازان در زمانی که یک معامله را فرصتی بزرگ برای کسب سودی غیر متعارف می‌دانند، در بسیاری از موارد مبتنی بر واقعیت نیست؛ زیرا هر معامله‌ای پتانسیل حرکت در خلاف جهت معامله‌گر را نیز دارد و اگر او با حجمی بزرگ وارد شود، پتانسیل باختی بزرگ نیز به همان اندازه برایش فراهم است. نتیجه اینکه سفته‌بازی قمارگونه به سبب ریسک بالا، مصداق معاملات غری فاسد است.

گروهی از سفته‌بازان در بازارهای مالی، برای نیل به اهداف خود و کسب سود به طرق گوناگون، اقدام به دستکاری قیمت‌ها می‌نمایند. آنان با ایجاد تبانی و اشاعه اخبار و اطلاعات کذب و شایعات و انجام معاملات صوری، قیمت‌های غیرواقعی و کاذب ایجاد کرده است و قیمت سهام را به سمت و سویی که می‌خواهند، سوق می‌دهند و از این رهگذر، سودهای هنگفتی می‌برند. این دسته از بورس‌بازان با توجه به توانمندی‌های خود برای دستکاری قیمت‌ها، آسیب‌ها و صدمات فراوانی را به بازارهای اوراق بهادار وارد می‌کنند و عمده‌ترین دلیل بحران‌های مالی دنیا، ناشی از فعالیت این گروه از سفته‌بازان است.

سفته‌بازی اخلال‌گر با دو اشکال شرعی مواجه است: فریبکاری و زیان‌رسانی. بی‌تردید فریبکاری در هر قراردادی از نظر تکلیفی حرام و از نظر وضعی، معامله را متزلزل می‌کند. این امر در متون فقهی با عنوان «تدلیس» مطرح می‌شود. تدلیس در لغت به معنای تاریک ساختن و پوشاندن واقع و مشتبه ساختن، مکر و زریدن و نیرنگ بافتن است. در اصطلاح فقهی نیز عبارت است از نمایاندن چیزی است برخلاف آنچه هست که شامل اخفا و نقص در معامله یا اظهار صفت کمال در آن است (ر.ک؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۵). تدلیس از نظر حقوقی به معنای نیرنگ نامتعارف است که از سوی یکی از دو طرف معامله یا با آگاهی و دستکاری او به منظور گمراه ساختن طرف دیگر به کار می‌رود و او را به معامله‌ای برمی‌انگیزد که در صورت آگاه بودن از واقع، به آن رضایت نمی‌داد (ر.ک؛ کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۳۴۵). از جنبه دیگر، در صورتی که سفته‌بازی اخلال‌گر ویژگی‌هایی داشته باشد که ناگزیر موجب زیان بر افراد یا بر کل

اجتماع گردد، بنا بر اصل لا ضرر جایز نیست. بنابراین، در مواردی که سفته‌بازی اخلال‌گر ماهیتی فریبکارانه داشته باشد و یا موجب زیان فرد یا جامعه گردد، جایز نیست.

سفته‌بازی در بازارهای مالی از طریق پیش‌بینی قیمت، اگر در چارچوب احکام و قوانین شریعت انجام شود، از دیدگاه فقهی جایز است. علاوه بر عموماتی مانند آیه شریفه ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (البقره / ۲۷۵) و نیز آیه شریفه ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ﴾ (النساء / ۲۹) که اطلاق دارند و این گونه خرید و فروش را شامل می‌شوند، روایاتی متعددی وجود دارد که بر جواز خرید و فروش به انگیزه سود بدون آنکه در برابر این سود کار مفید اقتصادی انجام شده باشد (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸: ۶۴).

سفته‌بازی تحلیلی تجارت قانونی صورت می‌گیرد و نمی‌توان گفت سودی که از این خرید و فروش به دست می‌آید، لزوماً در برابر آن کار مفید اقتصادی انجام شده است. نتیجه اینکه حکم سفته‌بازی در نظام مالی عادلانه بر اساس حقوق مالی اسلامی، بستگی به نوع سفته‌بازی دارد: الف) سفته‌بازی قمارگونه در صورتی که مصداقی از معاملات غرری پرخطر محسوب شود، جایز نیست. ب) سفته‌بازی اخلال‌گر به سبب ماهیت فریبکاری و زیان‌رسانی که در آن وجود دارد، جایز نیست. ج) سفته‌بازی تحلیلی در صورتی که به مسلمانان و جامعه اسلامی زیان نرساند، صحیح است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، پس از بررسی آیات قرآن کریم، معیارهای تحقق عدالت در فرایندها و روابط مالی بر اساس مطالب زیر به دست آمد:

- یکی از مهم‌ترین معیارهای فرایند مالی عادلانه، خالی از هر گونه قرارداد ربوی، اعم از ربای صریح و ربای مخفی در پوشش حيله است.

- فرایندهای مالی که متضمن ضرر و زیان به فرد یا جامعه باشد، عادلانه نیست و بر اساس آموزه‌های اسلامی، وجوب وفا و لزوم ندارد.

- اصل عدم انحراف از قراردادها به معنای آگاهی و عمل به مفاد آنها از مهم‌ترین قواعد حاکم بر فرایندهای مالی عادلانه است.

توازن عادلانه مسئولیت طرفین در فرایند مالی و پذیرش ریسک ضرر و زیان برای هر دو طرف از مهم‌ترین چارچوب‌های فرایندی در نظام مالی عادلانه است.

بحث سفته‌بازی در نظام مالی عادلانه بر اساس حقوق مالی اسلامی، نیز بدین شرح است که سفته‌بازی قمارگونه در صورتی که مصداقی از معاملات غرری پرخطر محسوب شود، جایز نیست. سفته‌بازی اخلاص‌گر به سبب ماهیت فریبکاری و زیان‌رسانی که در آن وجود دارد، جایز نیست و سفته‌بازی تحلیلی در صورتی که به مسلمانان و جامعه اسلامی زیان نرساند، صحیح است.

پی‌نوشت‌ها

۱- معیار (Critirion) یک استاندارد یا امر است که به عنوان دلیل مبنای قضاوت، نقد و تصمیم‌گیری قرار گیرد و در واقع، یک قاعده یا اصل برای ارزیابی یا آزمایش برخی چیزهاست (Merriam-Webster dictionary).

۲- «والتحقیق أن الأصل الواحد فی المادة هو توسط بین الإفراط والتفریط بحیث لاتکون فیه زیادة و لا نقیصه و هو الاعتدال و التقسط الحقیقی» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۵۳).

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۰۵ق.). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ق.). *کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات*. ج ۱. قم:

کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۴). «جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی». *مجله اقتصاد اسلامی*. س ۵. ش ۱۸.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق.). *صاحح اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۳ق.). *وسائل الشیعه*. چ ۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی، سید عقیل و عیوضلو، حسین. (۱۳۹۱). «آیا قیمت بازاری، عادلانه است؟ (تحلیل تطبیقی نگرش فلاسفه یونان، علمای اسکولاستیک و فقهای مسلمان به قیمت عادلانه)». *مجله مطالعات اقتصاد اسلامی*. د ۴. ش ۸. صص ۱۱۹-۱۶۴.
حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق.). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چ ۲. قم: اسماعیلیان.

_____ . (بی تا). *نهایة الأحکام*. بیروت: دارالأضواء.

خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۷ق.). *کفایة الأصول*. چ ۲. قم: مؤسسه آل‌البیت.
خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). *مصباح الفقاهة*. نرم‌افزار جامع فقه ۲. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۳۱ق.). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق ندیم مرعشلی. بی جا: مکتبه المرتضویة.

راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی. (بی تا). *النوادر*. قم: دارالکتاب.

رجایی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۵). *ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن*. چ ۱. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).

رجایی، سید محمد کاظم و معلمی، سید مهدی. (۱۳۹۰). «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن». *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*. ش ۴-۵. ص ۳۰.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۰ق.). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. چ ۱. قم: کتابفروشی داوری.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۸ق.). *مجمع البحرین*. تحقیق السید احمد الحسینی. ط ۲. بی جا: مکتب نشر الثقافة الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جواد. (۱۴۱۹ق.). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عیوضلو، حسین. (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی در اسلام*. ج ۱. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- _____ . (۱۳۸۷ق.). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. ج ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵ق.). *العین*. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای. قم: دار الهجرة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *التکافی*. ج ۴. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۹). *قواعد عمومی قراردادها*. ج ۱. تهران: انتشارات بهنشر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۴۱۷ق.). *العناوین الفقهية*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (بی تا). *مجموعه آثار*. نرم افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- معلمی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «دانش نشانه‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم». *مجله پژوهشنامه اقتصادی*. ش ۵۶.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). *القواعد الفقهية*. ج ۵. قم: مدرسه الإمام علی بن ابیطالب.

- موسوی، سید مرتضی. (۱۳۷۶). *قاعده لاضرر ولاضرار*. تقریر ابحات الشیخ ضیاء‌الدین عراقی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی^(ره)، روح‌الله. (۱۳۸۵ق.). *الرسائل*. ج ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _____ (۱۳۷۹). *کتاب‌البیع*. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۵ق.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد. (۱۴۱۷ق.). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- Aristotale. (1999). *Nicomachean Ethics*. Trans. W. D. Ross. Kitchener: Batoche Books.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی